

شفاعت در برزخ

محمد اصغری نژاد

دانش‌آموخته حوزه؛ پژوهشگر

چکیده:

شفاعت به عنوان اصل و قانونی مسلم در میان شیعه و سنی پذیرفته شده است. شفاعت یا برای آمرزش گناه است یا برای بالا بردن درجه. برخی از ظاهر بعضی از روایات چنین برداشت کرده‌اند که در عالم برزخ شفاعت وجود ندارد. این مقاله بر آن است تا این مسئله را اثبات کند که در برزخ نیز شفاعت وجود دارد. کلیدواژه‌ها: پیامبر صلی الله علیه و آله، آیات، روایات، برزخ، شفاعت، شفاعت در برزخ.

پرتال جامع علوم انسانی
انسانی و مطالعات فرهنگی

مقدمه

شفاعت از ماده «شَفَع» و به معنای جفت است. شفیع، کسی است که جفت شفاعت شونده می‌شود، یعنی اگر بنا باشد کاری برای شفاعت‌شونده صورت گیرد؛ ولی مشکلی در بین باشد، شفاعتگر آن را سامان می‌بخشد: اگر شفاعت‌شونده قابلیت لازم را ندارد یا فاعلیت فاعل،^۱ گسترش لازم را ندارد، شفاعتگر یا قابلیت شفاعت شونده را تکمیل می‌کند، مثلاً عجز و مسکنت او را به رخ می‌کشد و در پرتو آن، باعث انعطاف فاعل می‌گردد، یا به فاعلیت و رویکرد فاعل وسعت و توسعه می‌بخشد؛ مثلاً احسان و کرم او را به عدلش انضمام می‌کند تا فاعل به عنوان «محسن» و به شیوه «فضل» با مجرم رفتار کند نه به عنوان «عادل» و در پوشش «عدل». ممکن است شفاعتگر، هر دو کار را انجام دهد.^۲ البته اگر به دلایل یا شواهدی که برای اثبات وجود شفاعتگرانی چون عنصر ایمان و عمل صالح اقامه شده نظر افکنیم،^۳ متوجه می‌شویم، اینگونه نیست که هر شفاعتگری برای شفاعت از دو عامل فوق یا حتی یکی از آنها بهره ببرد. مثلاً صرف دادن قرض به مومنان عامل بخشش گناهان است و این عمل خیر نظری به قابلیت قابل و فاعلیت فاعل ندارد. نیز صرف پاسخ به دعوت خداوند در آوردن ایمان، باعث غفران الهی و نجات از عذاب است و به چیز دیگری نیاز ندارد.

نشانه‌های وجود شفاعت در برزخ^۴

شفاعت^۵ از امور مسلم است. اما اینکه در عالم برزخ - یعنی عالم مثال منفصل - چنین فرآیندی وجود دارد یا نه، اختلاف است و حق آن است که در عالم برزخ شفاعت وجود دارد. دلایل و شواهدی که این مدعا را اثبات می‌کند به قرار زیر است:

۱. عالم طبیعت و ماده، رقیقه عالم مثال و عالم مثال، رقیقه عالم عقل است. اگر حقیقتی در عالم طبیعت وجود داشته باشد، به گونه‌ای قوی و شدیدتر در عالم مثال و برتر از آن در عالم عقل - یعنی در قیامت - وجود دارد.^۶ اگر ثابت

شود در دنیا شفاعتگرانی وجود دارند که در بخشش جرم و بزهکاری و رفع نقصان دیگران تاثیرگذار هستند، اصل وجود آن در عالم برزخ را هم باید پذیرفت. برای این منظور متذکر می‌شویم که: عواملی در دنیا باعث شفاعت و فروریزی گناهان و بخشش آنهاست. توجه از آن قبیل است. در حدیث علی بن ابیطالب علیه‌السلام آمده است: «لا شفیع انجح من التوبه»^۷ شفاعتگری نجات‌بخش‌تر از توبه نیست» استغفار فرشتگان هم در این ردیف تعریف شده است.^۸ در آیه پنجم سوره شورا آمده است: وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا إِنْ اللَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ؛ فرشتگان به ستایش پروردگارشان اشتغال دارند و برای کسانی که روی زمین زیست می‌کنند، طلب بخشش می‌نمایند.

البته استغفار فرشتگان فقط برای افرادی است که دینشان مورد رضای الهی باشد.

وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى ...^۹

پیامبران الهی، اهل ایمان، قرآن مجید، عنصر ایمان و عمل صالح هم از دیگر عوامل شفاعتگری در دنیا هستند. از جمله دلایل شفاعتگری پیامبران در دنیا به منظور بخشش گناهان آیه ۹۸ سوره یوسف است. در این آیه حضرت یعقوب به فرزندان خود وعده می‌دهد که برای آنها از محضر الهی طلب بخشش نماید: سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

دلیل شفاعت قرآن در دنیا این فرمایش امام علی است:

«واعلموا ان هذا القرآن هو الناصح الذي لا يغش و الهدى الذي لا يضل و المحدث الذي لا تكذب و ما جالس هذا القرآن احد الا قام عنه بزيادة او نقصان: زيادة في هدى و نقصان من عمى»^{۱۰} یعنی این قرآن نصیحت‌گری است که فریب نمی‌خورد و سخن‌گویی است که دروغ نمی‌گوید، هیچ کس با این قرآن مجالست نمی‌کند جز اینکه با فزونی یا کاستی آن را ترک می‌گوید: فزونی در هدایت و کاستی از نابینایی.

دلیل شفاعت عنصر ایمان آیه ۳۱ احقاف است: يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ یعنی ای قوم ما، به دعوت کننده الهی پاسخ گوید و به او ایمان آورید تا گناهان شما را ببخشد و از عذابی دردناک ایمن سازد.

از جمله دلایل شفاعت عمل صالح آیه هفده سوره تباين است: إِنَّ تَقْرُضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ یعنی چنانچه به خداوند قرض حسن دهید، آن را برای شما مضاعف می کند و گناهانتان را می بخشد.

در این آیه از قرض الحسنه به عنوان عاملی که سبب زیاد شدن مال و غفران الهی است، یاد شده است. دلیل شفاعت مومنان آیه دهم سوره حشر است: وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ ...^{۱۱}

۲. اطلاق پاره‌ای از آیات قرآنی گویای فرآیند شفاعت در برزخ افزون بر قیامت است:

الف) در آیه ۲۸ سوره انبیاء - که بخشی از آن درباره شفاعت ملائکه است - می خوانیم: وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى... ؛ یعنی ملائکه جز در مورد کسانی که دینشان مورد رضای الهی است، شفاعت نمی کنند. نیز در آیه هفتم سوره غافر آمده است: الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا ؛ کسانی (از فرشتگان) که عرش را حمل می کنند و آنان گرداگرد عرش هستند، با حمد خدایشان به ستایش او می پردازند و به او ایمان می آورند و برای اهل ایمان طلب بخشش می نمایند. یکی از محققان درباره شامل بودن آیه‌های فوق نسبت به دنیا و برزخ و قیامت و عدم اختصاص آنها به یکی از عوالم می گوید: «فالأيتان كما ترى مطلقتان من حيث الموقف من غير تقييدهما بموقف دون آخر»^{۱۲} معنای این عبارت با اندکی توضیح آن است که آیه‌های فوق از این زاویه که مربوط به کجا و چه عالمی هستند، مطلق اند و به

عالم خاصی مقید نشده است.

رفع یک اشکال

در برخی از روایات عنوان شده است که شفاعت رسول معظم اسلام و ائمه اطهار نسبت به شیعیان اختصاص به قیامت دارد و پیش از آن را در بر نمی‌گیرد. عمروبن یزید می‌گوید:

«قلت لابی عبدالله: انی سمعت و انت تقول: کل شیعتنا فی الجنة علی ما کان فیهم. قال: صدقتک کلهم الله فی الجنة قال: قلت: جعلک فداک، ان الذنوب الکثیرة کبار! قال: اما فی القیامة فکلکم فی الجنة بشفاعۃ النبی المطاع او وصی النبی ولکنی و الله اتخوف علیکم فی البرزخ. قلت: و ما البرزخ: قال: القبر منذ حین موته الی یوم القیامة»^{۱۳} یعنی من از شما شنیدم که می‌فرمودید: همه شیعیان ما در هر حالی که هستند، در بهشت قرار دارند. امام علیه‌السلام فرمودند: تصدیق می‌کنم، به خدا همه آنها در بهشت‌اند. عرض کردم: فدایت شوم، گناهان، فراوان و بزرگانند! امام فرمودند: اما در قیامت، همه شما در پرتو شفاعت پیامبر -که فرمانبرداری شده است^{۱۴}- یا جانشین او در بهشت هستید. اما به خدا نسبت به شما در برزخ هراسناکم! پرسیدم: برزخ چیست؟ فرمودند: عالم قبر است از زمان مرگ انسان تا روز قیامت.

این روایت که ظاهراً نظیر و مانندی ندارد و یگانه است، به فرض صحت سند، مطلبی بیش از این نمی‌گوید که شیعیان در عالم برزخ معلوم نیست مورد شفاعت قرار گیرند و احتمال آن حتی طبق این روایت منتفی نشده است؛ زیرا نهایت چیزی که امام فرمود، آن است که «لکنی و الله اتخوف علیکم» بنابر این چون در آن شفاعت ائمه علیهم‌السلام به صراحت نفی نشده، مخاطب در حال خوف و رجا قرار می‌گیرد. در این صورت هیچ تعارضی میان این روایت و آیاتی که به

طور مطلق از شفاعت و شافعان در عالم برزخ پرداخته است، وجود ندارد.

(ب) در سوره نساء آیه ۶۴ آمده است: **وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا**؛ و اگر آنها زمانی که به خود ستم کنند، نزد تو آمده، درخواست بخشش کنند و پیامبر برای آنها درخواست بخشش نماید، به یقین خداوند را توبه پذیر و رحیم خواهند یافت.

گر چه ظاهر آیه شریفه این مطلب را بیان می کند که مشرف شدن به محضر پیامبر برای طلب بخشش گناه^{۱۵} مخصوص زمان حیات آن بزرگوار است؛ ولی با توجه به برخی از روایات و زیارتنامه ها، مشخص می شود که این فرآیند حتی بعد از وفات آن حضرت هم ادامه دارد. مثلاً در زیارت حضرت رسول در روز شنبه آمده است:

«اللهم، انت قلت: و لو انهم ظلموا انفسهم جاؤوك فاستغفروا الله و استغفر لهم رسول الله... الهی فقد اتيت نبيك مستغفراً تائباً من ذنوبي فصل على محمد و آله و اغفرها لي يا سيدنا اتوجه بك و باهل بيتك الي الله تعالى ربك و ربي ليغفر لي»

اهل سنت نیز مفاد آیه ۶۴ سوره نساء را عام و غیر مختص به زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته اند. صالحی شامی می نویسد: «... ان الله اخبر ان من ظلم نفسه ثم جاء رسول الله صلى الله عليه و آله فاستغفر الله تعالى و استغفر له رسول الله فانه يجد الله تواباً رحيماً. و هذا عام في الاحوال و الازمان للتعليق على الشرط. و بعد تقرير ان نبينا صلى الله عليه و آله بعد موته عارف بمن يجيء اليه فاذا سأله العبد استغفر له لان هذه الحالة ثابتة له في الدنيا و الاخره فانه شفيح المذنبين و موجبها في الدارين الحياه و الادراك مع النبوه و هذه الامور ثابتة له في البرزخ ايضاً ... وقد استدل مالك على ذلك بهذه الايه كما ذكرته في باب مشروعيه التوسل به صلى الله عليه و آله»^{۱۶}

یعنی خداوند متعال اعلام فرموده که هر کس به خود ستم کند آنگاه نزد پیامبر آمده، از خدای تعالی درخواست بخشش نماید و رسول هم برای او درخواست بخشش کند، به یقین پروردگار را توبه‌پذیر و رحیم خواهد یافت. این فرآیند شامل تمامی حال‌ها و زمان‌ها می‌شود؛ چرا که حکم یافتن خداوند به صفت تواب و رحیم، معلق به شرط آمدن به محضر پیامبر و درخواست مغفرت الهی و درخواست آمرزش گناه فرد خاطی از سوی رسول است. بعد از ثابت کردن این نکته که پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به کسی که به حضور ایشان شرفیاب می‌شود آگاه است، اگر کسی از حضرت بخواهد برای او از پیشگاه الهی طلب بخشش کند، این کار - یعنی درخواست بخشش برای گناهکاران که برای آن بزرگوار در هر دو عالم ثابت است - را انجام می‌دهد؛ چرا که او شفاعت کننده گناهکاران است و عامل آن در هر دو جهان، حیات و ادراک و نبوت است که برای ایشان در برزخ هم وجود دارد.

فخر رازی درباره آیه ۶۴ سوره نساء می‌گوید: «...الآیه تدل علی ان الرسول صلی الله علیه و آله متی استغفر للعصاة و الظالمین فان الله یغفر لهم و هذا یدل علی ان شفاعه الرسول فی حق اهل الكبائر مقبوله فی الدنیا فوجب ان تکون مقبوله فی الآخرة؛ لانه لا قائل بالفرق»؛^{۱۷} یعنی آیه مزبور دلالت می‌کند که هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله برای عصیان‌گران و ظالمان استغفار نماید، خداوند آنها را مورد بخشش قرار می‌دهد و این دلالت می‌کند که شفاعت آن حضرت نسبت به کسانی که دچار معاصی کبیره می‌شوند، در دنیا پذیرفته شده باشد؛ چون کسی در این موضوع میان دنیا و آخرت تفاوت نگذاشته است.

در تکمیل این استدلال باید گفت که «برزخ» دنباله و بقیه عالم دنیاست^{۱۸} و لذا شفاعت رسول اکرم شامل عصیان‌گران در برزخ هم می‌شود.

امکان بهره‌برداری از راه دور

نکته دیگری که از زیارت حضرت رسول در روز شنبه قابل استفاده است، این است که فرد گنهکار از راه دور هم می‌تواند برای غفران گناهان خود، از پیامبر صلی الله علیه و آله کمک بخواند و او را شفیع قرار دهد و لزومی ندارد کنار مرقد مطهرش حضور پیدا کند؛ ولی شاید برخی گمان کنند شرط این راهکار - چنانکه از حدیث سمعانی و غیر آن ممکن است برداشت شود - حضور است.

۳. در بخش پایانی زیارت عاشورا آمده است:

«اللهم ارزقني شفاعَةَ الحسين يوم الورد...»

خدایا شفاعت حسین را هنگام وارد شدن، روزی من فرما.

می‌توان گفت که بعد از مرگ، هنگامه ورود بر حضرت حق است و چون طبق این دعا، از شیعیان خواسته شده شفاعت امام حسین علیه السلام را از خدا بخواهند، معلوم می‌شود دست کم به برخی از آنها چنین شفاعتی در برزخ می‌رسد والا دعای بدون اجابت - حداقل برای برخی از دعاکنندگان - بی‌مفهوم است.

۴. روایاتی وجود دارد که نشانگر حضور پیامبر و ائمه علیهم السلام هنگام

مرگ و سؤال در قبر است و گویای این حقیقت است که آن بزرگواران به میت در سختی‌های عالم برزخ یاری می‌رسانند^{۱۹} و این روایت‌ها مؤید اطلاق آیاتی است که شفاعت در برزخ را بیان می‌کند.^{۲۰} برخی چون نویسنده المیزان می‌گوید:

«اما ... ما يقول على حضور النبي صلى الله عليه و آله و الائمة عليهم السلام عند الموت و عند مسائلة القبر و اعانتهم اياء على الشدائد... فليس من مالشفاعة عند الله في شيء و انما هو من سبيل التصرفات و الحكومة الموهوبة لهم باذن الله...»^{۲۱} یعنی گزارش‌هایی که بیانگر حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام هنگام مرگ و در وقت پرسش از میت در عالم قبر و برزخ است، به هیچ‌رو شفاعت از جانب خداوند نسبت به چیزی به شمار نمی‌آید و بلکه از قبیل

تصرفات و سلطه عنایت شده به آنان از سوی خداوند است. حال جای این سؤال باقی است، به فرض آنکه فرآیندهای یاد شده از سوی پیامبر و ائمه علیهم السلام شفاعت نباشد؛ اما موضوع طلب بخشش از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله از محضر الهی برای کسی که به او -در زمان وفات^{۲۲}- تمسک می‌جوید - و در آیه ۶۴ سوره نساء به آن اشاره شده^{۲۳} و در برخی از زیارت‌ها به طور واضح مطرح گشته است- آیا شفاعت برزخی نیست؟ قطعاً چنین است. نظیر آن توسل به اهل بیت علیهم السلام است که در زیارت‌ها و ادعیه برای گناهان و برآورده شدن حاجت‌ها مطرح شده است.^{۲۴}

۵. با توجه به دعاهایی که از سوی ائمه در مورد اموات مسلمان وارد شده، مشخص می‌شود که در برزخ امکان بخشش گناهان وجود دارد. مثلاً از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام روایت شده است: وقتی روی قبر میت خشت می‌گذاری بگو: اللهم انس وحشته و صل وحدته برحمتک... اللهم ان کان محسناً فزد فی احسانه و ان کان مسیئاً فتجاوز عنه و اغفر له انک انت الغفور الرحیم.^{۲۵} آیا درخواست چنین اموری از سوی مؤمن در حق میت که از طرف ائمه هدی دستور داده شده، جز برای غفران یا بالا رفتن درجه میت، چیز دیگری را در ذهن تداعی می‌کند و آیا این چیزی غیر از شفاعت است که از سوی مؤمنین^{۲۶} محقق می‌گردد؟

در دنباله اعمالی که برای میت صورت می‌گیرد، آمده است: سپس دست خود را روی قبر بگذار و در حالی که رو به قبله هستی، بگو:

«اللهم ارحم غربته و صل وحدته و انس وحشه و آمن روعته و افض علیه من رحمتک و اسکن الیه من برد عفوک و سعة غفرانک و رحمتک رحمة یستغنی بها عن رحمة من سواک و احشره مع من کان بتولاه...»^{۲۷} یعنی خداوند، به غریبی او رحم کن و پیوند دهنده تنهایی او و همدم و ایمن‌ساز ترس وحشتش باش و

رحمت را بر او سرازیر نما و خنکی و گستره بخشش خود را در وجودش مستقر فرما؛ رحمتی که در پرتو آن از رحمت دیگری بی‌نیاز گردد و او را با کسی که دوست می‌داشته محشور نما.

آیا این درخواست‌های رحمت و مغفرت و محشور شدن با کسانی که میت به آنها عشق می‌ورزیده، جز پدیده شفاعت فرآیند دیگری است؛ فرآیندی که به نظر می‌رسد تمامی یا یخشی از آن در عالم برزخ تحقق می‌گیرد؟ نظیر این دعاها و درخواست‌ها که از طرف مؤمنان برای اموات دستور داده شده است، در بسیاری از مأخذ^{۲۸} ذکر شده نشانه یا دلیل وجود شفاعت در برزخ است.

۶. در دعای روز چهارشنبه آمده است:

«ارزقنی شفاعة محمد و آله و لا تحرمنی صحبتہ»

شفاعت محمد صلی الله علیه و آله و عترت او را روزیم فرما و مرا از مصاحبت آن بزرگوار محروم نکن.

اطلاق این دعا شامل تمامی عوالم وجود می‌شود و اختصاص به قیامت ندارد.

۷. حکایات و نقلیاتی گزارش شده است که به گونه‌ای از شفاعت در برزخ سخن می‌گوید. نمونه‌ای از آن از امیر المؤمنین علیه السلام است که یک نفر اعرابی سه روز پس از آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفتند، نزد مزار آن بزرگوار آمده، خود را روی قبر مطهر انداخت و از آن خاک مقدس بر سرش ریخت و گفت: «یا رسول الله قلت، فسمعا قولک و وعیت عن الله فوعینا عنک و کان فیما انزلہ علیک: و لو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤوک فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحیما و قد ظلمت نفسی و جئتک. تستغفر لی الی ربی. فندودی من القبر انه قد غفر لک»؛^{۲۹} یعنی پیامبر، سخن گفتم، سخنان ترا شنیدیم. پذیرای کلام الهی شدم، ما هم پذیرای سخنان تو شدیم. از جمله مطالبی که خدا بر تو نازل کرد این بود: و اگر وقتی که به خود ستم می‌کنند، به حضورت آمده از خداوند درخواست بخشش کنند و پیامبر هم

برای آنان طلب بخشش کند، به یقین خداوند را توبه‌پذیر و رحیم خواهند یافت. در پی آن از طرف قبر ندا داده شد: مورد بخشش قرار گرفتی. یکی از یاران سفیان بن عیینه به نام ابو عبدالرحمن عتبی می‌گوید: وارد شهر مدینه شدم، کنار مرقد مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله آمدم، آن را زیارت کردم و رو به روی آن نشستم. یک اعرابی به آنجا آمد و قبر منور را زیارت کرد. سپس گفت: یا خیر الرسل، ان الله تعالی انزل علیک کتابا صادقا قال فیه: ولو انهم ولو انهم إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا و انی جئتک مستغفرا من ذنبی مستشفعا بک الی ربی. ثم بکی و انشد:

ثم بکی و انشد: یا خیر من دفنت بالقاع اعظمه / فطاب من طیبهن القاع و الاکم
نفسی الفداء لقبر انت ساکنه / فیه العفاف و فیه الجود و الکرّم

یعنی ای بهترین پیامبر، خداوند متعال کتاب صادقی بر تو فرو فرستاده، در آن فرمود: و اگر زمانی که آنها به خود ستم کرده، نزد تو آیند و از خداوند درخواست آمرزش کنند و پیامبر برای آنها درخواست بخشش کند، به یقین خداوند را توبه‌پذیر و رحیم می‌یابند و من به حضور آمدم، از گناهم از خداوند طلب آمرزش و به وسیله تو در پیشگاه الهی شفاعت می‌جویم.

عتبی می‌گوید: سپس اعرابی گریست و این شعر را خواند:
ای بهترین انسان که در اشراف و برترین زمین دفن شده‌ای. جانم فدای قبری که تو در آن ساکن هستی. در آن عفاف است، در آن سخاوت است و کرم.
در پی آن اعرابی استغفار کرد و بازگشت.

عتبی می‌گوید: خوابم که برد، در عالم رؤیا پیامبر صلی الله علیه و آله را مشاهده کردم. به من فرمودند: خود را به اعرابی برسان، مژده بده که خداوند او را به واسطه شفاعت من بخشید. از خواب برخاستم، در جست و جویش برآمدم؛ ولی به او دست نیافتم.

نتیجه

ضمن پذیرش اصل شفاعت به عنوان امری مسلم، با توجه به پاره‌ای از دلایل عقلی و اطلاق آیاتی چند از قرآن و برخی از روایات و ادعیه و زیارات و حکایات و اظهارات علما و اندیشمندان شیعه و سنی، ثابت و مشخص شد که در برزخ - که دنباله و تتمه عالم طبیعت است- شفاعت وجود دارد. برخی از نظریه‌پردازان اهل سنت بر فرهیختگان امامیه به این موضوع تصریح کرده‌اند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها:

۱. در اینجا منظور خدای سبحان است.
۲. ر.ک: جوادی آملی، تسنیم، ج ۴، ص ۲۱۰. سید مرتضی می‌گوید: «حقیقتة الشفاعة وفائدتها . طلب اسقاط العقاب عن مستحقه و انما يستعمل فی طلب ایصال المنافع مجازا و توسعا»؛ حقیقت شفاعت و فایده آن درخواست ساقط شدن کیفر از مستحق آن است و استعمال شفاعت در درخواست رسیدن به منفعت به نحو مجاز و توسع است (ر.ک: شریف مرتضی، وسائل المرتضی، ج ۱، ص ۱۵۰)
۳. این دلایل یا شواهد در این مقاله مطرح می‌شود.
۴. وهبه زحیلی می‌گوید: منظور از برزخ به اتفاق مفسران، مدت بین مرگ انسان و مبعوث شدن اوست. (تفسیر الوسیط، ج ۲، ص ۱۷۲۰)
۵. این نوشتار به انواع شفاعت نظری ندارد.
۶. ملا هادی سبزواری می‌گوید: «... کل ما فی العالم الادنی فله مثال فی العالم الاعلی» (شرح الاسماء الحسنی، ج ۲، ص ۵۲). وی در موضعی دیگر ذیل اسم شریف «خیر المنزلین» می‌گوید: «ینزل الاشیاء من عالم العقل الکی الی عالم النفس الکلیه و منه الی عالم المثال و منه الی العالم الطبیعه و عالم الجسم» (همان، ج ۱، ص ۳۹)
۷. ابن سلامه شافعی، دستور معالم الحکم، ص ۳۱؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۳۰۱؛ زرنندی حنفی، نظم در السمطین، ص ۱۵۷؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۹.
۸. جوادی آملی، تسنیم، ج ۴، ص ۲۴۲.
۹. انبیاء: ۲۸.
۱۰. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.
۱۱. ر.ک: جوادی آملی، تسنیم، ج ۴، ص ۲۴۲ - ۲۴۷.
۱۲. ملکی میانجی، بدایع الکلام فی تفسیر آیات الاحکام، ص ۱۵۸.
۱۳. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۴۲.
۱۴. ظاهراً مقصود از وصف «مطاع»، پذیرفته شدن شفاعت ایشان در قیامت است.
۱۵. یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله از خدا بخواهد گناه گنهکار بخشیده شود.
۱۶. صالحی شامی، سبیل الهدی، ج ۱۲، ص ۳۸۰.
۱۷. فخررازی، مفاتیح الغیب، ج ۳، ص ۵۰۰.
۱۸. ر.ک: نصر بن محمد سمرقندی، تفسیر بحر العلوم، ج ۲؛ ملا حویش آل غازی، بیان المعانی، ج ۶، ص ۴۷۹.
۱۹. ر.ک: طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۱۷۴.

۲۰. بیش‌تر از آنها سخن به میان آمد.

۲۱. همان، ص ۱۷۴.

۲۲. این درخواست در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله گویای وجود شفاعت در عالم دنیاست.

۲۳. و امثال آن.

۲۴. برای نمونه نگاه کنید به **مفاتیح الجنان**، دعای توسل معروف و هفتمین زیارت مطلق امیر المؤمنین، و زیارت آن حضرت در روز هفده ربیع الاول و در روز مبعث.

۲۵. ابن بابویه، **فقه الرضا علیه السلام**، ص ۱۷۱.

۲۶. قابل ذکر اینکه بر پایه برخی از آیات (از جمله آیه دهم سوره حشر) مؤمنان هم جزء شفاعت‌گران هستند (ر. ک: جوادی آملی، **تسنیم**، ج ۴، ص ۲۴۶ و ۲۴۷).

۲۷. ابن بابویه، **فقه الرضا علیه السلام**، ص ۱۷۲.

۲۸. ر. ک: شیخ صدوق، **الهدایه**، ص ۱۱۳ و ۱۱۴؛ شیخ مفید، **المقنعه**، ص ۸۰ و ۴۲۹؛ طوسی، **المبسوط**، ج ۱، ص ۱۸۵ و جز آن.

۲۹. **متقی هندی**، **کنز الاعمال**، ج ۲، ص ۳۸۵ و ۳۸۶؛ ج ۴، ص ۲۵۸ و ۲۵۹؛ **صالحی شامی**، **سبل الهدی**، ج ۱۲، ص ۳۸۱ و ۳۹۰؛ **تفسیر قرطبی**، ج ۵، ص ۲۶۵ و ۲۶۶.

۳۰. ر. ک: **صالحی شامی**، **سبل الهدی**، ج ۱۲، ص ۳۸۰ و ۳۸۱. این حکایت از طریق غیر

عتبی هم گزارش شده است (ر. ک: همان مأخذ). نیز درباره ماجرای فوق یا اصل آن بنگرید به **تفسیر**

ابن کثیر، ج ۱، ص ۵۳۲؛ **تعالی**، **تفسیر تعالی**، ج ۲، ص ۲۵۷ و ۲۵۸؛ **سیوطی**، **الدر المنتور**، ج ۱، ص

۲۳۸؛ **نووی**، **المجموع**، ج ۸، ص ۲۷۴؛ **بهوتی**، **کشاف القناع**، ج ۲، ص ۵۹۹ و ۶۰۰.

منابع:

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق ابوالفضل ابراهیم.
۲. ابن بابویه، فقه الرضا علیه السلام، تحقیق موسسه آل البيت المؤتمر العالمی .
للامام الرضا علیه السلام، اول، ۱۴۰۶.
۳. ابن سلامه شافعی، دستور معالم الحکم، قم: مکتبه المفید.
۴. ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق شمس الدین، بیروت: دارالمعرفه، اول:
۱۴۱۲.
۵. بهوتی، کشف القناع، بیروت: محمد علی بیضون، اول، ۱۴۱۸.
۶. تفسیر الثعالبی، تحقیق عبدالوجود و دیگران. مطبعه دار احیاء التراث العربی،
اول، ۱۴۱۸.
۷. جوادی آملی، تسنیم، اسراء، قم: دوم: ۱۳۸۲.
۸. زرندی حنفی، نظم در السمطین، مکتبه الامام امیر المومنین علیه السلام، اول،
۱۳۷۷ ق.
۹. سیوطی، الدر المنثور، دارالمعرفه، اول، ۱۳۶۵.
۱۰. شریف مرتضی، رسائل المرتضی، تحقیق رجایی، دارالقرآن، ۱۴۰۵.
۱۱. شیخ مفید، المقنعه، جامعه مدرسین، قم: ۱۴۱۰.
۱۲. صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد، تحقیق عبدالوجود، دارالکتب
العلمیه، بیروت: اول، ۱۴۱۴.
۱۳. طباطبایی، المیزان، موسسه نشر اسلامی، قم: اول، ۱۴۰۲.
۱۴. طنطاوی، تفسیر الوسیط.
۱۵. طوسی قدس محمدی، النهایه، قم.
۱۶. طوسی، المبسوط، تحقیق کشفی، المکتبه المرتضویه.
۱۷. فخر رازی، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت: سوم، ۱۴۲۰.
۱۸. قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، بیروت: موسسه التاریخ العربی، ۱۴۰۵.
۱۹. کلینی، الکافی، تصحیح غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، سوم،

۱۳۸۸.

۲۰. متقی هندی، کنز العمال، به کوشش صفوه السقا، بیروت: موسسه الرساله،
اول، ۱۴۰۹.

۲۱. مجلسی، بحار الانوار، بیروت: موسسه وفا، چاپ دوم، ۱۴۰۳.

۲۲. المجموع، نووی، دارالفکر.

۲۳. مفاتیح الجنان، قمی.

۲۴. ملا حویش آل غازی، بیان المعانی، مطبعه الترقی، دمشق: اول: ۱۳۸۲
ق.

۲۵. ملکی میانجی، بدایع الکلام فی تفسیر آیات الاحکام، بیروت: موسسه
وفا، اول، ۱۴۰۰.

۲۶. نصر بن محمد سمرقندی، تفسیر بحر العلوم. (م قرن ۴).

۲۷. صدوق، الهدایه، تحقیق و نشر موسسه امام هادی علیه السلام، قم: اول،
۱۴۱۸.

۲۸. مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۳۹-۲۴۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی